

# نقش ساختارهای ادبی آیات قرآن در اثبات نظریه تجسم اعمال

ناصر کولیوند\*

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، تهران

نصرت نیل ساز\*\*

استادیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹)

## چکیده

نظریه تجسم اعمال که عهده‌دار تبیین کیفیت و نحوه دریافت جزای اعمال در عالم آخرت است، حقیقت اعمال آدمی را به عنوان پاداش یا کیفر او در آن عالم معرفی می‌کند. در گفته‌های بسیاری از عالمان و مفسران افزون بر ادله عقلی، شواهد نقلی فراوانی برای اثبات این نظریه به چشم می‌خورد. حدود ۹۵ آیه از آیات قرآن به مسئله تجسم اعمال اشاره شده است. این آیات با توجه به گوناگونی آنها در نوع ساختار ادبی به دسته‌های متعددی تقسیم می‌شوند. دسته‌ای از این آیات با تعبیرهای مختلف از جمله دیدن اعمال، حضور اعمال، آوردن اعمال، آزمودن عمل و غیره به صراحت بر تجسم یافتن اعمال در عالم آخرت تأکید می‌کنند. دسته‌ای دیگر با ساختار نحوی خاص از جمله کاربرد استفهام انکاری و حصر، جزای اعمال در آخرت را عین اعمال معرفی می‌کنند. دسته سوم از آیات با تصویرپردازی‌های متعدد به صورت تشبیه یا تمثیل مانند تشبیه اعمال نیک مؤمنان به نور و اعمال کافران به سراب و تاریکی، ماهیت درونی برخی از اعمال را به تصویر کشیده‌اند. این جستار به بررسی ساختارهای ادبی و تعبیری در آیات قرآن می‌پردازد که می‌تواند شاهی بر نظریه تجسم اعمال باشد.

واژگان کلیدی: تعبیر، تعبیر، ساختار ادبی، عمل، تجسم اعمال.

---

\* E-mail: kolivand.naser@yahoo.com (نویسنده مسئول)

\*\* E-mail: nilsaz@modares.ac.ir

## مقدمه

از دیرباز، اندیشمندان مسلمان یکی از وجوه اعجاز قرآن را بیان برترین معارف با شیواترین و رساترین واژگان در استوارترین اسلوب دانسته‌اند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۶ق: ۷۱۳ و ۷۱۷). ابزار انتقال مفاهیم گوناگون در قرآن در عرصه‌های مختلف، اعم از باورها و عقاید گرفته تا اخلاق و بایدها و نبایدهای شرعی، و نیز عناصر گوناگون و متعدد نظیر صرف، نحو، بلاغت، تصویرپردازی، تمثیل و غیره، ساختارهای ادبی قرآن است. همهٔ این عناصر در تلفیق با یکدیگر پیام و معنای کامل قرآن را پدید می‌آورند (Boullata, X: 2000). از این روست که مفسران پیوسته برای کشف معانی قرآن به این عناصر توجهی تام داشته‌اند و اصولاً شرط اول ورود به عرصهٔ خطیر تفسیر را آشنایی با این عناصر گوناگون زبان عربی دانسته‌اند. یکی از موارد مهم که قرآن برای تأکید بر اهمیت آن از تعبیرها و تمثیل‌های متعدد بهره گرفته است، کیفیت جزا در عالم آخرت است.

توجه تام قرآن به ساختارهای ادبی در ترسیم ماهیت باطنی اعمال و چگونگی پاداش و کیفر در عالم آخرت و ارائهٔ آن در قالب تصویرها و تمثیل‌های متعدد، دانشمندان را بر آن داشته است که کیفیت و نحوهٔ پاداش و کیفر در عالم آخرت را از سنخ خود عمل یا همان تجسم اعمال بدانند. در این پژوهش بر آنیم تا مجموع ساختارهای ادبی را که به نحوی بر مسئلهٔ تجسم اعمال دلالت و تأکید دارند، از خلال آیات قرآن کریم استنباط و در دسته‌های مرتبط دسته‌بندی کنیم.

## ۱- پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- تعبیر به کار رفته در قرآن در باب تجسم اعمال در عالم آخرت چگونه بازگو شده‌اند؟
- ۲- قرآن کریم از چه ساختار نحوی برای تأکید بر مسئلهٔ تجسم اعمال بهره گرفته است؟
- ۳- سیمای باطنی اعمال در قرآن چگونه ترسیم شده است؟ (تصویرپردازیهای قرآن دربارهٔ ماهیت باطنی اعمال چگونه است؟).

## ۱-۱) طرح مسئله

قرآن کریم برای تأکید بر اهمیت یک موضوع یا مسئله و یا خاطر نشان کردن آن، اسلوب و روش‌های متنوع و گونه‌گونی به کار گرفته است. در برخی موارد، از تعبیر گوناگون و متعددی برای رساندن پیام و معنای مورد نظر بهره گرفته است؛ مثلاً برای تأکید به رشد قساوت قلب کافران، از تعبیری نظیر سنگدلی (ر.ک؛ البقره/۷۴)، تنگدلی (ر.ک؛ الانعام/۱۲۵) و غیره استفاده کرده است. یا برای نشان دادن میزان تلخی و ناخوشایندی نوشیدنی‌ها و خوردنی‌های جهنم از تعبیری همچون حمیم (ر.ک؛ ص/۵۷؛ الصافات/۶۷ و النبأ/۲۵)، غساق (ر.ک؛ ص/۵۷ و النبأ/۲۵)، غسلین (ر.ک؛ الحاقه/۳۶)، زقوم (ر.ک؛ الصافات/۶۲) و غیره بهره گرفته است. همچنین، در مواردی، قرآن از تصویرپردازی‌های متعددی در قالب تشبیه و تمثیل برای نشان دادن اهمیت یک مسئله استفاده کرد است؛ مثلاً برای ترسیم حال و سرانجام کافران و به تصویر کشیدن شخصیت باطنی ایشان، آنان را به چارپایان (ر.ک؛ الأعراف/۱۷۹)، گاهی به سگ (ر.ک؛ الأعراف/۱۷۶) و گاهی به گورخر (ر.ک؛ المدثر/۵۰) و غیره تشبیه کرده است. یا در بیان ضعف و سستی عقاید و باور کافران از تمثیل به خانه عنکبوت (ر.ک؛ العنکبوت/۴۱) بهره گرفته است. نظریه تجسم اعمال به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به معاد و عالم پس از مرگ نیز از این امر مستثنی نیست. قرآن کریم با تعبیرهای گوناگون و تصویرپردازی‌های متعددی به این مسئله اشاره کرده است. در این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، آیات قرآنی دال بر نظریه تجسم اعمال از نظر ساختارهای ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱-۲) نظریه تجسم اعمال

به طور کلی، در باب جزای اعمال در عالم آخرت سه دیدگاه وجود دارد. برخی معتقدند که جزای اعمال در آخرت همانند سیستم قضایی این دنیا از سنخ قرارداد است و جزای عمل با خود عمل از یک سنخ نیستند؛ به عبارت دیگر، انسان در برابر اعمالی که

انجام می‌دهد، نوعی پاداش یا عقاب دریافت می‌کند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۳۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ۲۲۸-۲۳۰). برخی از علما جزای اخروی هر کسی را نتیجهٔ اعمال او می‌دانند. ایشان معتقدند که هر عملی که انسان در این دنیا انجام می‌دهد، نتایج جدایی‌ناپذیری در سرای آخرت با خود به همراه دارد (ر.ک؛ بهشتی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۰). عده‌ای دیگر از عالمان و مفسران معتقدند که جزای اعمال انسان عین اعمال اوست؛ یعنی در عالم آخرت، هر عملی که انسان انجام می‌دهد، به صورت مناسب خود برای شخص مجسم می‌شود (ر.ک؛ صدرای شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۰۲۹-۱۰۳۰؛ همان، ۱۳۵۴: ۴۲۵-۴۲۶؛ ۱۴۰۱ق، ج ۹: ۲۲۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۸۳-۱۸۴ و ۲۰۹-۲۰۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۴۷-۱۴۹؛ حسن‌زاده آملی، ۱۴۰۴ق: ۳۶۷، ۳۷۰ و ۳۷۴؛ همان، ۱۳۸۲: ۲۲۹-۲۳۰ و همان، ۱۳۸۷: ۲۲۴). گروه اول به نظریهٔ قراردادی بودن جزای اعمال معتقدند، گروه دوم معتقدند که جزای اعمال همان نتیجهٔ اعمال است و گروه سوم، طرفداران نظریهٔ تجسم اعمال محسوب می‌شوند؛ تجسم اعمال، به معنای به شکل، جسم و پیکر درآمدن اعمال و اعتقادات انسان در عالم آخرت است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۴۷).

### ۳-۱) پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ نقش ساختار ادبی در ارائهٔ نظریهٔ تجسم اعمال، هیچ‌گونه تحقیقی صورت نگرفته است، اما از آنجا که این نظریه یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به معاد و عالم پس از مرگ است و با جزای اخروی و به تبع آن، سرنوشت ابدی انسان‌ها پیوند ناگسستنی دارد، از دیرباز محور پژوهش پژوهشگران و عالمان، در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی قرار گرفته است و در باب کیفیت و چگونگی این نظریه، تحقیقات نسبتاً زیادی صورت گرفته است. عالمان و مفسران با استناد به ادلهٔ عقلی و نقلی نظریهٔ تجسم اعمال را به اثبات رسانده‌اند. ابن عربی در فتوحات مکیه مطلبی آورده است که بر اعتقاد ایشان بدین مسئله دلالت دارد: «كُلُّ انْسانٍ فِي الْبَرْزَخِ مَرْهُونٌ بِكَسْبِهِ مَحْبُوسٌ فِي صُورِ اَعْمَالِهِ» (ابن عربی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۷).

حکیم و فیلسوف بزرگ، ملاصدرای شیرازی که در آثار خود مکرراً به این مسئله توجه داشته است. وی در کتاب *مفاتیح‌الغیب*، این اعتقاد را به فیثاغورث هم نسبت داده است (ر.ک؛ صدرای شیرازی، ۱۴۰۴ق.؛ ۱۰۲۹-۱۰۳۰).

به گفته محمدباقر مجلسی، نظریه تجسم اعمال در میان اخوان الصفا<sup>۲</sup> نیز سابقه داشته است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۹: ۹۵). علامه طباطبائی و نیز علامه حسن‌زاده آملی در برخی از آثار خود مباحثی درباره این نظریه مطرح کرده‌اند (برای نمونه، ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.؛ ج ۱: ۳۳۷ و ۳۵۵؛ همان، ج ۲: ۱۴۷-۱۴۹ و ۲۰۰-۲۰۱؛ همان، ۱۳۸۷: ۱۶۹؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۶: ۳۳۸ و همان، ۱۴۰۴ق.؛ ۳۷۰-۳۷۴).

البته در آیات قرآن و احادیث این اصطلاح به تصریح نیامده است، اما اندیشمندان تعبیر و سایر ساختارهای ادبی به کار رفته در آیات و روایات را حاکی از این معنا دانسته‌اند. آیت‌الله حسن‌زاده آملی گفته‌اند: «تعبیرات تجسم اعمال و تجسد اعمال و تجسم اعراض در آیت و روایتی نیامده است، اما ظاهراً این تعبیر را از حاصل مضمون روایات که در تمثّل ملکات نفسانی وارد شده است، اتخاذ کرده‌اند» (حسن‌زاده آملی، ۱۴۰۴ق.؛ ۳۹۰ و همان، ۱۳۸۷: ۸۷۱).

به علت تشابه معنایی برخی از آیات دال بر تجسم اعمال و نیز به سبب مجمل بودن برخی از آیات در دلالت خود بر تجسم اعمال، شمارش دقیق این آیات کاری دشوار است، اما حدود ۹۰-۹۵ آیه با ساختارهای متنوع به تجسم اعمال اشاره شده است. در مجموع این آیات، سه گونه از ساختارهای ادبی به کار رفته است که عبارتند از: تعبیر مختلف در دلالت بر تجسم اعمال، ساختار نحوی متفاوت در نشان دادن عینیت جزا و عمل، و تصویرپردازی‌های متعدد برای نشان دادن ماهیت درونی برخی از اعمال. در ادامه، به بررسی هر یک از این ساختارها می‌پردازیم.

## ۲- تعابیر دالّ بر تجسّم اعمال در آیات

### ۲-۱) تعبیر بازپرداخت اعمال

در برخی از آیات با تعابیر مختلف بیان شده است که آنچه انسان کسب یا عمل کرده است، به طور کامل به او بازپرداخت می‌شود. در برخی از آیات، این معنا با تعبیر «توفی» یا «توفی» بیان شده است. این تعبیر گاهی به صورت کلی درباره همه دستاوردهای انسان، یعنی آنچه را که انسان کسب کرده، به کار رفته است؛ نظیر: ﴿ثُمَّ تُوفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (البقره/ ۲۸۱؛ آل عمران/ ۲۵ و ۱۶۱) و گاه در باب نفّس اعمال انسان آمده است: ﴿وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوفَّيْنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (هود/ ۱۱۱ و الأحقاف/ ۱۹). در آیه ۲۱ سوره طور، همین معنا با تعبیر «مَا أَلْتَنَاهُمْ: چیزی از عمل آنان نمی‌کاهیم» آمده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾. علامه طباطبائی درباره دلالت این تعبیر بر تجسّم اعمال می‌نویسد: «کلمه توفی به معنای دادن و پرداختن چیزی است به حدّ کمال و تمام، و معنای توفی و رساندن مردم به تمام و کمال اعمال این است که خدا عین اعمال ایشان را به خودشان برمی‌گرداند. پس دلالت این آیات بر تجسّم اعمال روشن است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۸۳-۸۴؛ همان، ج ۱۵: ۱۳۱؛ همان، ج ۱۷: ۲۹۶؛ همان، ج ۱۸: ۲۰۵).

در تفسیر نمونه نیز آیات فوق‌الذکر از شواهد تجسّم اعمال در عالم آخرت معرفی شده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۷۹؛ همان، ج ۳: ۱۵۳ و همان، ج ۹: ۳۵۶). صاحب‌انوار درخشان دلالت اینگونه آیات را بر ظهور سیرت اعمال (تجسّم اعمال) در عالم آخرت قلمداد کرده است (ر.ک؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۲: ۳۷۷-۳۷۶؛ همان، ج ۳: ۲۴۸ و همان، ج ۹: ۵۵۴).

## ۲-۲) تعبیر دیدن و یافتن اعمال

در برخی از آیات قرآن بیان شده است که در روز قیامت، آدمی آنچه را که از خوبی یا بدی برای خود انجام داده است، پیش روی خود حاضر و آماده می‌بیند. این گونه آیات با تعبیر گوناگون ذکر شده‌اند. در برخی آیات، تعبیرهای نظیر «بُری» و «بیره» به کار رفته است و بیان می‌کند که آدمی (در روز قیامت) عین اعمال خود را می‌بیند و نظاره می‌کند: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى \* وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾ (النجم / ۳۹-۴۰). در سوره زلزال نیز با همین تعبیر بیان می‌کند که مردم در روز قیامت، حتی ریزترین اعمال خود را مشاهده می‌کنند: ﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ \* فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (الزلزال/ ۸۶). نظیر همین آیه با تعبیر «يَنْظُرُ» در آیه ۴۰ سوره نأ نیز آمده است: ﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾.

اکثر مفسران دلالت اینگونه از آیات را به صورت مسلم بر تجسم اعمال دانسته‌اند (برای نمونه، ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۹۲؛ همان، ج ۳: ۱۵۶-۱۵۵؛ همان، ج ۱۸: ۳۵۰؛ همان، ج ۱۹: ۴۷؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۵۰۸-۵۰۶؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۵۵؛ همان، ج ۱۰: ۱۹-۲۰؛ همان، ج ۱۲: ۳۲۱-۳۲۰ و همان، ج ۲۶: ۱۸۴-۱۸۳).

آیه ۲۲ سوره ق نیز از برداشتن پرده‌ها در روز قیامت و تیزبینی شخص در آن روز خبر می‌دهد: ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾. در واقع، این آیه از آگاهی یافتن انسان بر همه چیز در عالم آخرت، به‌ویژه حقیقت و ماهیت باطنی اعمال خبر می‌دهد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۹۲).

## ۳-۲) تعبیر یافتن عمل و حضور آن

برخی دیگر از آیات از یافتن اعمال و حضورشان در روز قیامت خبر می‌دهند. گاه تعبیر یافتن عمل صرفاً برای اعمال نیک ذکر شده است و الفاظی نظیر «تَجِدُ» از آن خبر

می دهد؛ نظیر: ﴿... وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ...﴾ (البقره/ ۱۱۰ و نیز ر.ک؛ المزمّل / ۲۰ و الکهف/ ۴۹). گاهی نیز درباره همه اعمال نیک و بد انسان به کار رفته است: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ...﴾ (آل عمران / ۳۰). همچنین، در آیه ۴۹ سوره کهف با تعبیر «حاضرأ» به حاضر شدن همه اعمال مجرمان اشاره شده است: ﴿...وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا...﴾.

برخی از مفسران دلالت این آیات را بر تجسم اعمال روشن و واضح دانسته اند (برای نمونه، ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۹۱-۹۳؛ همان، ج ۳: ۱۵۶؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۵۷-۴۵۶؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۵۴؛ همان، ج ۶: ۲۳۲؛ همان، ج ۱۱: ۴۱۳).

در تفسیر نمونه با اشاره به برخی از این آیات که به صراحت بر حضور اعمال در عالم آخرت دلالت دارند و نیز با تبیین معنای لغوی واژه «تَجِدُ» که از ماده «وجدان» (یافتن) ضد فقدان و نابودی مشتق شده است و نیز با بیان این مطلب که کلمات «خیر» و «سوء» که به صورت نکره آمده اند و افاده عموم می کنند، دلالت اینگونه از آیات را بر تجسم اعمال مسلم دانسته است. این آیات دلالت دارند که هر انسانی در آن روز تمام اعمال خوب و بد خود را - هر چند کم باشد - در نزد خود می یابد (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۰۶ و همان، ج ۱۲: ۴۵۶-۴۵۷).

## ۲-۴) تعبیر آوردن عمل

از دیگر تعبیرهای به کار رفته، در باب اعمال، آوردن عمل در روز قیامت است. این تعبیر در سوره لقمان در ضمن توصیه های لقمان حکیم به فرزندش استعمال شده است: ﴿يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ (لقمان/ ۱۶). حسینی همدانی در *انوار درخشان* دلالت این آیه را با توجه به تعبیر آوردن اعمال (يَأْتِ بِهَا) بر تجسم اعمال دانسته است (ر.ک؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۲: ۴۷۶).



## ۵-۲) تعبیر آشکار شدن اعمال

در برخی از آیات با تعبیر گوناگون به آشکار شدن اعمال در روز قیامت اشاره شده است؛ از جمله آشکار شدن اعمال زشت در سوره جاثیه: ﴿وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ﴾ (الجاثیه / ۳۳).

آیت الله مکارم شیرازی ذیل این آیه، آشکار شدن اعمال زشت را به معنای حضور آن اعمال و مجسم شدنشان در مقابل مجرمان دانسته است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق.، ج ۵: ۱۱۱). در *انوار درخشان* نیز دلالت این آیه بر تجسم اعمال قلمداد شده است: «در صحنه قیامت، سزایر پلید هر یک از بیگانگان آشکار خواهد شد و به صورت حسرت‌های آتشین روانی و عقوبت‌های جسمانی ظهور خواهد نمود که هرگز تصور نمی‌نمودند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۴: ۲۴۲). قرشی در *احسن الحدیث* آورده است که این آیه دلالت دارد بر اینکه گناهان در روز قیامت به اشکال خاصی متجلی خواهند شد (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۳۰۵). همچنین، در آیه ۲۸۴ سوره بقره که تأکید شده است بر اینکه همه اعمال آشکار و پنهان (انسان) مورد محاسبه قرار می‌گیرد: ﴿... وَإِنْ تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ...﴾، نیز دلالتی بر این معناست (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲: ۴۳۶-۴۳۷ و حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۲: ۳۸۵).

## ۶-۲) تعبیر آزمودن عمل

آیه ۳۰ سوره یونس از تعبیر آزمودن اعمال در روز قیامت خبر می‌دهد: ﴿هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ وَصَلَ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾. آزمودن اعمال به این معنا است که انسان آن عمل را می‌چشد تا بفهمد شیرین است یا تلخ. چه بسا عملی که در این دنیا زیبا جلوه کرده باشد، ولی در قیامت تلخ و عذاب‌آور نمایان شود و برعکس (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۸۱). قرشی یکی از دلالت‌های این آیه را کشف حقیقت اعمال دانسته است (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۳۷۷). علامه طباطبائی در دلالت این آیه بر تجسم اعمال می‌نویسد:

«مشرکین و شرکاء و هر انسان دیگر آنچه را که در دنیا انجام داده‌اند، می‌چشند تا حقیقت کرده‌هایش برایش منکشف و روشن شود و حقیقت هر عملی را که کرده به عیان مشاهده کند، نه اینکه صرفاً برایش بشمارند و بیان کنند که تو چنین و چنان کرده‌ای، بلکه عمل خود را مجسم می‌بیند و با مشاهده حق از هر چیزی، این معنا برایش منکشف می‌شود که مولای حقیقی، تنها خدای سبحان است و همه اوهام ساقط و منهدم می‌گردد و اثری از آن دعوی‌ها که بشر به اوهام و هواهای خود بر حق می‌بست، باقی نمی‌ماند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۴۶-۴۷).

پس در واقع، آزمودن عمل در روز قیامت به معنای آگاه شدن انسان از حقیقت و ماهیت باطنی اعمال است.

## ۷-۲) تعبیر نامه عمل

در برخی از آیات قرآن (ر.ک؛ الکهف/۴۹؛ الإسراء/۱۳-۱۴ و الجاثیه/۲۸)، تعبیر نامه اعمال به کار رفته است. علامه طباطبائی مقصود نهایی از نامه اعمال را خود اعمال دانسته‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۵۵-۵۷ و ۳۲۴-۳۲۵).

## ۸-۲) استعمال تعابیر وِزْر وِثْقَل در باره گناهان

در برخی از آیات قرآن، حقیقت باطنی گناهان به باری ترسیم شده است که شخص بردوش می‌کشد و به علت سنگینی آن، به عذاب و مشقت گرفتار می‌آید. در برخی از این آیات، تعبیر وِزْر<sup>۳</sup> به کار رفته است: ﴿مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا﴾<sup>۴</sup> (طه/۱۰۰). این آیه از روشن‌ترین آیات قرآنی است در اینکه دلالت می‌کند بر تجسم اعمال و اینکه آدمی در قیامت با عمل خودش معذب می‌شود و همواره و جاودانه با آن است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۲۰۹ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶: ۴۴۷).

در تفسیر نمونه نیز ذیل این آیه آمده است:

«ضمیر "فیه" در این آیه به "وِزْر" بازمی‌گردد؛ یعنی آنها در همان وِزْر و مسئولیت و بار سنگینشان، همیشه خواهند ماند و این خود اشاره‌ای است به مسئله تجسم اعمال و اینکه انسان به وسیله همان اعمال و کارهایی که در این جهان انجام داده است، در قیامت پاداش نیک یا مجازات می‌بیند» (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۹۷ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق.، ج ۱۰: ۷۵).

در برخی دیگر از آیات تعبیر ثَقُلَ<sup>۵</sup> به کار رفته است: ﴿وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ (العنکبوت/۱۳). این تعبیر نیز در واقع، ماهیت باطنی هر گناهی را مجسم می‌کنند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۱۰۸ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۱۱۲).

## ۹-۲) تعبیر هیزم و آتشگیره جهنم

در تعدادی از آیات قرآن با تعبیر گوناگون اشاره شده است که انسان‌ها خود هیزم و آتش افروز دوزخ هستند. در سوره تحریم خطاب به مؤمنان آمده است که خود و کسان خود را از آتشی که آتش گیره آن مردم و سنگ‌ها (بِت‌ها) هستند، حفظ کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾ (التحریم/۶). در برخی دیگر از آیات با همین تعبیر کافران آتش افروز دوزخ دانسته شده‌اند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ﴾ (آل عمران/۱۰). در آیه ۲۴ سوره بقره که ابتدا با یک تعبیر کلی مردم و سنگ‌ها را آتش افروز دوزخ دانسته است: ﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾. در ادامه، اشاره می‌کند که مراد از مردم همان کافران هستند: ﴿... أَعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾. در آیات ۶-۷ سوره همزه، مضمون همین آیات با تعبیری دیگری ذکر شده است: ﴿نَارُ اللَّهِ الْمُوَقَّدَةُ \* الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ؛ یعنی آتش جهنم از دل‌ها (نفوس) شعله‌ور می‌شود. نظیر همین معنا با تعبیر «حَصَب» در سوره

انبیاء نیز آمده است: ﴿إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ﴾ (الأنبياء / ۹۸). در حقیقت، شما و آنچه غیر از خدا می پرستید، هیزم دوزخ هستید و شما در آن وارد خواهید شد. در آیه ۱۵ سوره جن این معنا با تعبیر «حَطَبًا» در مورد منحرفان (بیدادگران) نیز به کار رفته است: ﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾. این تعبیر دلالت دارد بر اینکه اعمال زشت انسان بر اثر تکرار و استمرار به صورت ملکه در جان او واقع شده است و نفس او را به صورت و هیئت مناسب خود در آورده است. لذا انسان معذب در آتشی است که خود، آن را شعله ور ساخته است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۸۹-۹۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱: ۷۶؛ همان، ج ۳: ۲۳؛ مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱: ۱۲۷-۱۲۸ و همان، ج ۲: ۴۴۷).

### ۳- ساختار نحوی

در برخی از آیات قرآن، ساختار نحوی دلالت بر این دارد که انسان با چیزی جدای از عمل خود مجازات نمی شود، بلکه همان عملی که انجام داده است، به عنوان جزا به وی برگردانده می شود. این آیات از مشهودترین، واضح ترین و نیز پرشمارترین آیات در دلالت بر تجسم اعمال هستند.

#### ۳-۱) بدل

در سوره جاثیه با یک تعبیر کلی می فرماید: هر امتی در روز قیامت به سوی نامه اعمال خود فراخوانده می شود: ﴿وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا...﴾ و در ادامه می فرماید: ﴿... الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ...﴾ امروز (روز قیامت) شما را با اعمال خودتان جزا می دهیم ﴿(الجاثیه / ۲۸). این جمله، بدل اشتمال از عبارت «تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا» است و بیان می کند که ایشان را بر وفق آنچه که در نامه اعمال ایشان است، جزا می دهیم (ر.ک؛ ابن عاشور، ۱۳۷۹، ج ۲۵: ۳۸۳).

### ۲-۳) استفهام انکاری

در برخی از آیات (ر.ک؛ النمل/۹۰؛ یس/۵۴ و سبأ/۳۳) با اسلوب استفهام انکاری جزای هر کس عین عمل او دانسته شده است. ملاً صدرا دلالت این آیات را بر تجسم اعمال دانسته است (ر.ک؛ صدرای شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۲۲ و همان، ج ۴: ۲۸۵). در آیه ۱۴۷ سوره اعراف که جزای تکذیب کنندگان آیات قرآن و عالم آخرت را حبط اعمال بیان کرده است: ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ...﴾. در ادامه، این نوع مجازات را مطابق و عین عمل آنها دانسته است و می‌فرماید: ﴿... هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ آیا جز آنچه را عمل می‌کردند، پاداش داده می‌شوند؟ استفهام به کار رفته در آیه با توجه به استثنایی که در ادامه آیه آمده است (إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)، استفهام انکاری است و در معنای نفی به کار رفته است؛ یعنی بیان می‌کند که شما جز با اعمال خودتان مجازات نخواهید شد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۷۳۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۵: ۴۰۳؛ ابن عاشور، ۱۳۷۹، ج ۸: ۲۹۱؛ همان، ج ۱۱: ۱۰۴؛ همان، ج ۱۹: ۳۲۳ و همان، ج ۲۲: ۷۴). همچنین، در آیه ۳۳ سوره سبأ، ضمن اشاره به اینکه در گردن کافران غل‌ها و زنجیرهایی قرار دارد: ﴿وَجَعَلْنَا الْأَعْمَالَ فِي أَغْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾. در ادامه، با همین ساختار این نوع عذاب را متناسب و عین عمل ایشان دانسته است: ﴿هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (ر.ک؛ همان، ج ۱۹: ۳۲۳).

### ۳-۳) حصر

در برخی از آیات، تعبیر عینیت جزا و عمل، با اسلوب حصر بیان شده است.

#### ۱-۳-۳) حصر با لفظ «إِنَّمَا»

در برخی از آیات، لفظ «إِنَّمَا» استعمال شده که از ادوات حصر است. در آیات ۱۰-۱۵ سوره طور، بعد از توصیف کیفیت و چگونگی عذاب تکذیب کنندگان آیات قرآن یا معاد می‌فرماید: ﴿اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ

**تَعْمَلُونَ:** در آن وارد شوید و بسوزید! می‌خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است؛ چرا که تنها به اعمال شما جزا داده می‌شود! ﴿(الطُّور/ ۱۶). عین همین ساختار در مورد کافران نیز استعمال شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (التَّحْرِيم/ ۷). علامه طباطبائی این آیات را دال بر تجسّم اعمال دانسته‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۳: ۵۵-۵۷ و ۳۲۴-۳۲۵).

### ۲-۳-۳) حصر با ساختار «لای نفی + الّا»

در برخی از آیات، از ساختار «لای نفی + الّا» در بیان حصر استفاده شده است. در آیه ۸۴ سوره قصص و نیز آیه ۹۰ سوره نمل کیفیت عذاب گنهکاران به این نحو بیان شده است: ﴿... وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾. حصر به کار رفته در این آیات، حصر حقیقی است (ر.ک؛ ابن عاشور، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۴۶). در برخی دیگر از آیات با تکیه بر همین ساختار و با خطاب کلی، جزای هر نفسی، عین عمل او معرفی شده است: ﴿فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (ر.ک؛ همان، ج ۲۲: ۲۴۸. برای شواهد بیشتر، ر.ک؛ آیات یس / ۵۴؛ غافر / ۱۷ و ابراهیم / ۵۰).

### ۳-۳-۳) حصر با ساختار «مای نفی + الّا»

گاه تعبیر عینیت جزا و عمل با ساختار «مای نفی + الّا» آمده است. در آیات ۲۳-۳۸ سوره صافات پس از توصیف حال و روز مجرمان در روز قیامت و بیان علت جهنمی شدن آنان، با بهره‌گیری از ساختار فوق، نوع کیفر و مجازات را عین عمل آنها دانسته است: ﴿وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (الصّافات / ۳۹).

### ۴-۳) بای صله و عینیت جزا و عمل

علامه طباطبائی، آیه ۱۷ سوره غافر: ﴿الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ را شاهدهی بر عینیت جزا و عمل دانسته است و می‌نویسد:

«حرف باء در جمله به ”مَا كَسَبَتْ“، به اصطلاح، بای صله است و مراد، بیان یکی از خصایص روز قیامت است و آن این است که در آن روز به هر نفسی عین آنچه را که کرده، به عنوان جزای کرده‌هایش می‌دهند. پس جزای هر کس همان عمل اوست» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۷: ۳۱۹).

### ۵-۳) لام ملکیت و عینیت جزا و عمل

در یک آیه از قرآن اشاره شده است که انسان به ملکیت واقعی، مالک واقعی (نه اعتباری) اعمال خویش است: ﴿وَأَنْ تَنْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (النجم/۳۹). از این آیه برمی‌آید که انسان جز اعمال خود را به عنوان جزا دریافت نخواهد کرد. لام در کلمه «لِلْإِنْسَانِ»، لام مُلْکِ حقیقی است و دلالت دارد که انسان به ملکیت حقیقی، مالک اعمال خویش است و مادام که انسان هست، آن عمل هم هست و هرگز به طبع خود از انسان جدا نخواهد شد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۹: ۴۶؛ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۴۱۹). پس این آیه نیز اشعار دارد که جزای انسان در عالم آخرت، عین عمل اوست.

### ۴- تصویرپردازی‌های قرآن در باب اعمال

در بسیاری از آیات قرآن، برای نشان دادن کیفیت و ماهیت درونی برخی از اعمال تصویرپردازی‌های خاصی چه در مورد هدایت‌یافتگان و چه در باب گمراهان صورت گرفته است. در ادامه، این تصویرپردازی‌ها را از نظر می‌گذرانیم:

#### ۱-۴) نور و تاریکی

در برخی از آیات، به صورت تقابل، اعمال مؤمنان به نور و اعمال کافران به ظلمت و تاریکی تشبیه شده است؛ نظیر: ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾<sup>۷</sup> (الأنعام / ۱۲۲). در این آیه، «نور» مثالی برای هدایت و «تاریکی» مثالی برای کفر و گمراهی کافران است. در سوره حدید در یک تمثیل زیبا، اعمال مردان و زنان مؤمن به نوری تشبیه شده است که در روز قیامت پیشاپیش و در سمت راست آنها حرکت می‌کند: ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ...﴾<sup>۸</sup> (الحدید / ۱۲) و در جواب منافقان که از آنها نور طلب می‌کنند، می‌گویند: به دنیا برگردید و از آنجا نور بگیرید: ﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا...﴾<sup>۹</sup> (الحدید / ۱۳). این جوابی که منافقان از زبان مؤمنان می‌شنوند، می‌رساند که مراد از نور همان اعمال صالحه است که جایگاه کسب آن، عالم دنیا است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۷: ۳۳۷).

#### ۲-۴) سراب

در برخی از موارد، اعمال کافران به سرابی در زمین هموار تشبیه شده است که «آدم» تشنه آن را آب می‌پندارد: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا...﴾<sup>۱۰</sup> (النور / ۳۹). علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌نویسد: «اعمال ایشان، اعم از قربانی‌هایی که پیشکش بُت‌ها می‌کنند و اذکار و اورادی که می‌خوانند و عبادتی که در برابر بت‌ها می‌کنند، حقیقت ندارد و آثار عبادت بر آن مترتب نیست» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۵: ۱۳۰). در سوره نور، اعمال کافران به تاریکی‌هایی که در دریایی ژرف (پرموجی) که موجی آن را می‌پوشاند و بالای آن موج، موج دیگری و بالای آن ابری تیره باشد، تشبیه شده است: ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي



بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَّعْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا... ﴿النُّور/۴۰﴾. این تصویر هولناکی است که دریا به تنهایی خطرناک است، چه رسد به اینکه تاریکی از هر سو آن را فرا گرفته باشد و راهی برای رهایی از آن وجود نداشته باشد و دریا هم مواج و خروشان باشد با طبقاتی از امواج، و بر بالای آن هم ابری باشد که افق را پوشانده، تمام منفذهای نور را بسته است. در آیه ۲۷۵ سوره بقره، خورنده ربا به شخصی تشبیه شده است که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...﴾.

علامه طباطبائی مفسر و حکیم برجسته معاصر، این نوع تعابیر و تصویرپردازی‌ها را از جمله حقایق قرآن در ارائه صورت باطنی اعمال قلمداد کرده‌اند و معتقدند که اینها حقیقت و واقعیت است و خداوند برای تقریب ذهن عامه مردم به فهم حقیقت و واقعیت بدین گونه بیان کرده است. از نظر ایشان، این گونه اموری که خدا از آنها خبر داده که بندگان هنگام اطاعت و معصیت آنها را ایجاد می‌کنند، اموری حقیقی و واقعی هستند؛ مثلاً اگر می‌فرماید که بنده مطیع را از ظلمت به سوی نور و گناهکار را از نور به سوی ظلمت می‌بریم، نخواستہ است مجازگویی کند، مگر اینکه این نور و ظلمت چیزی جدای از اطاعت و معصیت نیست، بلکه همواره با آنهاست و در باطن اعمال ما قرار دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۴۵ و همان، ج ۷: ۳۳۶-۳۳۹).

### ۳-۴) غُل و زنجیر

در برخی آیات با استعاره‌ای تأمل‌برانگیز، اعمال زشت کافران و گناهکاران به زنجیرهایی مانند شده‌اند که بر گردنشان آویزان است: ﴿... وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي الْأَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (سبأ/ ۳۳) که جمله انتهایی آیه که می‌فرماید: ﴿هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ بیان می‌کند که مراد از اغلال، همان اعمال است. نظیر همین تصویرپردازی در دو آیه دیگر از قرآن درباره کافران،

بدون اشاره به اعمال آنها استعمال شده است: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا﴾ (الإنسان / ۴) و آیه ﴿إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ﴾ (یس / ۸). اگر این دو آیه را در کنار آیه قبل قرار دهیم، معلوم می‌شود که این دو آیه نیز درصدد توصیف و چگونگی ارائه اعمال به کافران هستند. قرشی ارائه این گونه تصاویر را مبنی بر تجسم اعمال جوارحی و جوانحی دانسته است (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۳۴۷).

در آیات ۴-۵ سوره مسد، خطاب به همسر ابولهب آمده است: ﴿وَأَمْرًا تُهَمَّالَةً الْحَطَبِ \* فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ﴾ که این دو آیه کیفیت و نحوه ارائه عمل به ایشان را به همان صورت دنیوی که در نتیجه اعمال به خود گرفته بود، متمثل کرده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲۰: ۳۸۵).

#### ۴-۴) ارائه اعمال به صورت حسرت

در آیه ۱۶۷ سوره بقره، چگونگی نمایاندن اعمال پیروان رهبران باطل، به صورت حسرتی برای آنان ترسیم شده است: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرِهْنَا لَنَا كَرَةً فَنَتَّبِرَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّوْا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾ (البقره / ۱۶۷). نظیر همین صحنه در آیه ۳۶ سوره انفال برای کافرانی که اموال خود را برای بازداشتن مردم از راه خدا هزینه کرده‌اند نیز آمده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾.

#### ۵-۵) خوردن آتش

آیه ۱۷۴ سوره بقره از کتمان حقایق نازل از طرف خداوند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا...﴾ به منزله خوردن آتش یاد

می‌کند: ﴿... أَوْلَيْكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ...﴾. همچنین، آیه ۱۰ سوره نساء خوردن مال یتیم از روی ظلم: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا...﴾ (النساء / ۱۰) را به خوردن آتش ترسیم می‌کند: ﴿...إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾. این آیات از صریح‌ترین آیات دال بر تجسم اعمال در عالم آخرت هستند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۴۲۶؛ همان، ج ۴: ۲۰۳-۲۰۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۹۲ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق.، ج ۱: ۴۹۳).

### ۶-۵ خوردن گوشت برادر مرده

آیه ۱۲ سوره حجرات، خوردن گوشت برادر مرده را به عنوان حقیقت باطنی غیبت کردن به تصویر می‌کشد: ﴿... وَلَا يَتَّبِعْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾. و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است! ﴿...﴾.

### ۷-۵ غبار پراکنده

در آیه ۲۳ سوره فرقان، حقیقت باطنی اعمال کافران به گردوغبار پراکنده تشبیه شده است که هیچ گونه ثمری برای آنان ندارد: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا﴾. و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند، می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا قرار می‌دهیم! ﴿...﴾. این ترسیم به نیکوترین وجه معنای پوچ و بی‌ارزش بودن اعمال کافران را به شنونده القاء می‌کند.

### ۸-۵) صورت‌های آتشین

آیه ۳۵ سورهٔ توبه، ماهیت باطنی احتکار طلا و جواهرات (ثروت‌اندوزی) را به صورت گنج‌های آتشی ترسیم می‌کند که محتکران بدان‌ها عذاب می‌شوند: ﴿يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ...﴾ و به آنها گفته می‌شود: ﴿هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾: این همان چیزی است که برای خود اندوختید. پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید! ﴿ این آیه بار دیگر این حقیقت را تأکید می‌کند که اعمال انسان‌ها از بین نمی‌روند و همچنان باقی می‌مانند و همان‌ها هستند که در جهان دیگر برابر انسان مجسم می‌شوند و مایهٔ سرور و شادی و یا رنج و عذاب او می‌گردند (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۰۲).

### ۹-۵) مسخ شدن به صورت بوزینه

در قرآن کریم، دو آیه با یک تعبیر آمده است که می‌توان از آن به عنوان نمونهٔ عینی تجسم اعمال یاد کرد: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ أَخْتَدُوا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾: به یقین از حال کسانی از شما که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید! ما به آنها گفتیم به صورت بوزینه‌هایی طرد شده درآید ﴿ (البقره/۶۵). همین تعبیر در آیه ۱۶۶ سورهٔ اعراف نیز آمده است: ﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوْا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾: هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی کردند، به آنها گفتیم: به شکل میمون‌هایی طرد شده درآید ﴿. این دو آیه از واقعه‌ای که در گذشته رخ داده است، خبر می‌دهد. گروهی از بنی‌اسرائیل به علت تمرد از دستور خداوند و شکستن حرمت روز شنبه به میمون‌هایی مسخ شده‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۰۵-۲۰۹) که در واقع، خداوند ماهیت باطنی عمل آنها را مجسم ساخته است.

طبرسی در قولی از ابن عباس نقل می‌کند که خداوند جسم‌ها و ظاهر آنها را مسخ نمود و تبدیل به بوزینه کرد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۰۵). مؤلفان تفسیر نمونه نیز این احتمال را می‌پذیرند و می‌گویند که این امر یعنی مسخ شدن آنها از معجزات و امور خارق‌العاده به حساب می‌آید (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۲۴). لازم به ذکر است که هرچند تحقق عینی و همگانی تجسم اعمال، مربوط به عالم آخرت است، ولی نمونه ذکر شده که در عالم دنیا رخ داده است، می‌تواند دلیل متقنی برای امکان وقوع یا اثبات نظریه تجسم اعمال در عالم آخرت باشد.

#### ۱۰-۵) محشور شدن بر صورت

آیه ۳۴ سوره فرقان<sup>۹</sup> از محشور شدن کافران در روز قیامت بر صورت خود خبر می‌دهد: ﴿الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾. این نوع عذاب، تصویری از نحوه مجسم شدن گمراهی و هدایت نیافتن آنان در دنیا است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۸۵).

#### ۱۱-۵) به شکل عمل درآمدن عامل

در برخی موارد، عمل به حدی قوی است که عامل را به شکل خود درمی‌آورد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۸۷).

علامه حسن‌زاده دلالت آیه ۴۶ سوره هود - ﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾ - که فرزند حضرت نوح را به عنوان عمل غیر صالح معرفی کرده است، بر تجسم اعمال حمل کرده‌اند (ر.ک؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۳۸)؛ به عبارت دیگر، اعمال غیر صالحه پسر نوح<sup>(ع)</sup> به علت تکرار، به صورت ملکه وجودی او درآمدن است و عامل را به شکل خود درآورده است. در سوره نبا آمده است که هنگام دمیدن در صور، انسان‌ها فوج فوج به سوی عالم محشر روانه می‌شوند: ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ (النبا/۱۸). در این باب، در روایت آمده است: «مراد از این

آیه، محشور شدن انسان‌ها با شکل‌ها و قیافه‌های متفاوت است که برخی به صورت خوک، برخی به صورت میمون و غیره است» (الحویزی، بی‌تا، ج ۵: ۴۹۴). بنابراین، پیداست تا زمانی که انسان، خوک یا میمون نشده باشد، به آن صورت محشور نخواهد شد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۵: ۸۷).

### نتیجه‌گیری

نظریهٔ تجسم اعمال که در مباحث مربوط به عالم پس از مرگ از آن بحث می‌شود، از دیرباز طرفداران زیادی داشته است. معتقدان به این نظریه، برای اثبات ادعای خود مبنی بر به شکل و جسم درآمدن اعمال و اعتقادات انسان در عالم آخرت، به ادلهٔ عقلی و نقلی استناد کرده‌اند. در ادلهٔ نقلی که شامل آیات قرآن و روایات معصومین<sup>(ع)</sup> می‌شود، صریحاً به این نظریه اشاره نشده است. اما در مضمون بسیاری از این ادله که بحث از چگونگی پاداش و عقاب در عالم آخرت به میان آمده است، دلالت‌های صریحی بر این مسئله وجود دارد.

در حدود ۹۵ آیه از قرآن، به صورت تلویحی به نظریهٔ تجسم اعمال اشاره شده است. این آیات با توجه به ساختارهای ادبی به کار رفته در آنها به دسته‌های متعددی تقسیم می‌شوند. در برخی از آیات با بهره‌گیری از تعبیری نظیر توفی اعمال، دیدن اعمال، آشکار شدن اعمال، آزمودن اعمال و غیره، به طور صریح به تجسم یافتن اعمال در سرای آخرت اشاره شده است. دسته‌ای از آیات با ساختار نحوی خاصی، از جمله استفهام انکاری و حصر دلالت دارند که جزای هر نفسی در عالم آخرت، عین اعمال اوست. دسته سوم از آیات با بهره‌گیری از تصویرپردازی‌های متعددی به صورت تشبیه و تمثیل حالات و کیفیات درونی برخی از اعمال را به خوبی به تصویر کشیده شده است.

دقت در هر یک از ساختارهای ادبی استعمال شده در آیات دال بر تجسم اعمال، افزون بر شناخت هرچه بیشتر نسبت به کیفیت دریافت پاداش و عقاب در عالم آخرت، این نکتهٔ حائز اهمیت را در ذهن تداعی می‌کند که خداوند متعال در سرای آخرت،

نهایت عدالت در جزای اعمال را به اجرا خواهد گذاشت و جزای هر نفسی را شکل تجسم یافته اعمال او قرار می دهد.

### پی نوشت ها

۱- (برای مشاهده ادله مخالفان و موافقان تجسم اعمال و بحث تفصیلی در این باب، ر.ک؛ کولیوند، ۱۳۹۱: ۶۵-۵۵ و بهشتی، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

۲- اخوان الصفا و خلان الوفا از نهضت های مهم فکری-سیاسی قرن چهارم هجری است. محل تشکیل این گروه در بصره بوده است که استوارترین قدم ها را در نزدیک کردن حکمت یونانی و دین اسلام برداشته است. این گروه، انجمنی سرّی بودند که فعالیت های علمی و سیاسی آنان پنهانی و در خفا صورت می گرفت. هویت جماعت اخوان الصفا روشن نیست و این ابهامی است که در تاریخ اسلامی نظری قطعی بر آن وجود ندارد. این گروه معتقد بودند که فلسفه، فوق شریعت است و فضائل فلسفی، فوق فضائل شرعی است و جاویدانی همراه با سعادت از آن فلاسفه است، که سعادت، سعادت عقلی است. بدین گونه اخوان قصد آن داشتند که شریعت را با فلسفه تطهیر کنند؛ یعنی دین را به میزان فلسفه بسنجند. رسائل اخوان الصفا از مهم ترین میراث اسلامی و یا حتی مهم ترین میراث عالم است که مجموعه ای از افکار و دیدگاه های مختلف برگرفته از کتب آسمانی و غیر آسمانی و نیز فلسفه اسلام و یونان - در آن گردآوری شده است (ر.ک؛ صفا، ۱۳۴۶، ج ۱: ۲۹۶-۳۲۰ و فریدونی، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۱).

۳- «وَزُر» و مشتقات آن در هشت آیه از قرآن درباره گناه به کار رفته است: الأنعام / ۳۱ و ۱۶۴؛ الإسراء / ۱۵؛ طه / ۱۰۰؛ النحل / ۲۵؛ الفاطر / ۱۸؛ الزمر / ۷ و النجم / ۳۸.

۴- نظیر همین تعبیر در سوره فاطر نیز آمده است: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى...﴾ (الفاطر / ۱۸؛ برای موارد مشابه، ر.ک؛ الأنعام / ۳۱ و النمل / ۲۵).

۵- «ثَقُل» و مشتقات آن در دو آیه از قرآن در باب گناه به کار رفته است (ر.ک؛ الفاطر / ۱۸ و العنکبوت / ۱۳). در سه آیه نیز در باب میزان اعمال به کار رفته است (ر.ک؛ الأعراف / ۸؛ المؤمنون / ۱۰۲ و القارعه / ۶). همین کلمه در موارد دیگری نیز استعمال شده است: سنگینی

- ابرها (الأعراف / ۵۷)، سختی و دشواری جهاد در راه خدا (التوبة / ۴۱)، بار سنگین (النحل / ۷)، سنگینی کلام خدا (قرآن): ﴿قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ (المزمل / ۵) و غیره.
- ۶- بدل اشمال، تابعی است که یکی از خصوصیات یا لوازم متبوع باشد مانند: «أعجبنى أخوك علمه». در این جمله، «علمه» از لوازم و خصوصیات «أخوك» است که بدل اشمال محسوب می شود (ر.ک؛ الشرتونی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۰۱-۳۰۲).
- ۷- (برای مشابه همین آیه، ر.ک؛ البقره / ۱۷ و ۲۵۷؛ ابراهیم / ۱ و ۵؛ الأحزاب / ۴۳؛ الفاطر / ۲۰؛ الحديد / ۹ و الطلاق / ۱۱).
- ۸- عین همین تعبیر در آیه ۸ سوره تحریم نیز آمده است.
- ۹- نظیر همین تعبیر در سوره اسراء نیز آمده است: ﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عَمِيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا... هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست و هر کس را (به سبب اعمال او) گمراه سازد، هادیان و سرپرستانی غیرخدا برای او نخواهی یافت و روز قیامت، آنها را بر صورت هایشان محشور می کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کَرَنَد ﴿(الإسراء / ۹۷).

## منابع و مآخذ

### قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق.). **التحریر والتنویر**. بیروت: مؤسسه التاریخ.
- ابن عربی، محیی الدین محمد. (۱۴۱۸ق.). **الفتوحات المکیه فی معرفة الأسرار المالکیة والملکیة**. بیروت: دار احیاء التراث العربیة.
- عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه. (بی تا). **نور الثقلین**. قم: مؤسسه مطبوعات اسماعیلیان.
- الشرتونی، رشید. (۱۳۸۶). **مبادئ العربیة**. ترجمه و شرح محمود خورسندی و حمید مسجدسرایبی. قم: حقوق اسلامی.



- بهشتی، احمد. (۱۳۸۳). «نقد و بررسی عقاب و کیفر در نظام قضا و قدر». *فلسفه و کلام*. ش ۱. صص ۵-۱۶.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). *تفسیر موضوعی قرآن: معاد در قرآن*. ج ۵. قم: انتشارات اسراء.
- حسنزاده آملی، حسن. (۱۳۸۶). *مآثر آثار*. قم: الف، لام، میم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۲). *دو رساله مثل و مثال*. تهران: نشر طوبی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). *رساله علم و دین*. شرح داوود صمدی آملی. قم: انتشارات قائم آل محمد (عج).
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۴ق). *دروس اتحاد عاقل به معقول*. تهران: انتشارات حکمت.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). *شرح العیون فی شرح العیون*. قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز الطباعة والنشرالمکتب الاعلام الإسلامی).
- حسینی همدانی، سید محمدحسین. (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تهران: کتابفروشی لطفی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۶ق). *الإتقان فی علوم القرآن*. تحقیق فواز احمد زمرلی. بیروت: دارالکتاب العربی.
- صدرای شیرازی، محمد. (۱۴۰۴ق). *مفاتیح الغیب*. ترجمه و تعلیق محمد خواجهوی. تهران: انتشارت مولی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۵۴). *المبدأ و المعاد*. ترجمه محمد الحسینی اردکانی. تهران: انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۱ق). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۴۶). *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). *انسان از آغاز تا انجام*. ترجمه صادق لاریجانی.

به کوشش استاد سیدهادی خسروشاهی. قم: انتشارات بوستان کتاب.

فخر رازی، ابوعبدالله محمد. (۱۴۲۰ق.). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فریدونی، علی. (۱۳۸۶). *اندیشه سیاسی اخوان الصفا*. قم: بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.

کولیوند، ناصر. (۱۳۹۱). *بررسی ماهیت عمل و تجسم اعمال از دیدگاه علامه طباطبائی*. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. گروه علوم قرآن و حدیث. تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: چاپ هاشم رسولی.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق.). *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).

Boullata, Issa. (2000). *Literary Structures of Religious Meaning in the Quran*. Great Britain: Curzon Press.